

اثر توسعه روابط مالی بین بانکی بر سودآوری و تخصیص اعتبارات در کشور

دکتر احمد گوگردچیان^۱

دکتر سیدکمیل طیبی^۲

بهروز صادقی عمر و آبادی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۲۰

چکیده

هدف این مقاله تبیین تأثیر توسعه روابط مالی و بین بانکی به عنوان یک رویکرد همگرایی و یکپارچگی در سیستم بانکی ایران است که در آن بتوان به ارزیابی هدفمندسازی اعتبارات و سودآوری بانکها پرداخت، به عبارت دیگر این ایده ارزیابی می شود که با پیچیده تر شدن روابط اقتصادی که نتیجه وابستگی بازارهای

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان. agoogerdchian@yahoo.com

** دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان. Komail38@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان. Sadeghi.behruz@gmail.com

مختلف به یکدیگر است، علاوه بر تقویت درجه رقابت‌پذیری و مشارکت در روابط مالی بین‌بانکی، کارآمدی سیستم بانکی کشور را در بهینه‌سازی تخصیص اعتبارات و افزایش سودآوری تقویت می‌کند.

بر این اساس، یک الگوی اقتصادسنجی پایه‌ریزی می‌شود که در آن با استفاده از داده‌های مقطعی بانک‌های کشور در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۷ اثرپذیری تخصیص اعتبارات و سودآوری بانک‌ها از توسعه روابط مالی بین‌بانکی و سایر عوامل تعیین‌کننده بررسی می‌گردد. دستاورد این تحقیق می‌تواند معرف مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سودآوری بانکی و بهبود تخصیص اعتبارات در زمینه بانکداری نوین در کشور باشد.

واژه‌های کلیدی: روابط مالی بین‌بانکی، سیستم بانکی ایران، الگوی اقتصادسنجی، داده‌های پانلی

طبقه‌بندی JEL : G20 C32

۱. مقدمه

بانک‌ها در سیستم مالی یک کشور اصلی‌ترین تأمین‌کننده منابع مالی بخش‌های مختلف اقتصادی هستند که البته رشد این بخش‌ها نیز می‌تواند رابطه نزدیکی با پویایی سیستم بانکی داشته باشد (هاردی، ۱۹۹۸). از ویژگی‌های مهم این سیستم این است که مبادلات با سرعت و امنیت بالا انجام می‌گیرد که علاوه بر اهداف رشد اقتصادی به بهبود عملکرد سیستم بانکی نیز منجر می‌شود.

توسعه روابط مالی بین بانکی از جدیدترین اهداف منطقه‌ای و حتی بین‌المللی بانک‌ها و مؤسسات مالی با رویکرد یکپارچگی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در واقع، تبدیل بازارهای مجزای قبلی برای یک محصول مالی واحد، به یک بازار همسان و منسجم را یکپارچگی گویند که در سیستم بانکی نیز می‌تواند ظهور یابد. از سوی دیگر بازارهایی یکپارچه‌اند که بتوان قیمت واحدی را برای محصولات و خدمات مشابه آن بدون ملاحظه محیط جغرافیایی در نظر گرفت (دیریک و وسالا، ۲۰۰۲).

برداشتن موانع ادغام مالی می‌تواند تأثیر معنی‌داری بر پویایی سیستم بانکی و افزایش رقابت‌پذیری آن داشته باشد، به طوری که ساختارهای مؤسسات مالی و همچنین قوانین مربوط به آنها با سرعت زیادتری تغییر نمایند. به طور مثال در اتحادیه اروپا بیشتر خدمات مالی توسط مؤسسات مالی انفرادی منسجم‌تر از قبل ارائه می‌شود، زیرا هم مؤسسات مالی و هم مقررات مالی در طی سالیان اخیر منسجم‌تر و یکپارچه‌تر شده‌اند. در این رابطه، قانون قیمت واحد، نشانه‌هایی از مطالعه یکپارچگی بانکی را بر جای گذاشته است که بر همگرایی نرخ بهره تأکید دارد، زیرا زمانی که توسعه یک بازار همزمان موجب رقابتی‌شدن بنگاه‌ها در بازارهای اولیه شود، تغییر سهم‌های تعادلی بازاری موجب می‌شود بانک‌های کارا تر سهم بازاری بیشتری را در اقتصاد به دست آورند (مانا، ۲۰۰۴). در حقیقت چنانچه بازارهای بانکی در سطح ملی به سمت بازار واحد گشوده شوند، بازارهای داخلی

-
- 1- Dierick and Vesala
 - 2- The Law-of-One-Price
 - 3- Manna

شروع به رقابت خواهند نمود و آنهایی که در زمینه هزینه کاراترند، سهم‌های بازاری بیشتری را به دست خواهند آورد (ساب و ویکر، ۲۰۰۷).

بازار بین‌بانکی می‌تواند دسترسی به وام‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را با یک تفاهم‌نامه بین‌بانکی به منظور تهیه سرمایه جهت سرمایه‌گذاری برای بانک‌ها فراهم کند. توسعه روابط بین‌بانکی به بانک‌ها اجازه سرمایه‌گذاری بیشتر و یا مهار بحران را می‌دهد، بدون اینکه مخاطره مالی بین منطقه‌ای سرایت و انتقال داده شود (فیچت و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین هماهنگی و یکپارچگی بازار بین‌بانکی از طریق تعمیق روابط بین‌بانکی مزایای یکپارچگی بازارهای بانکی را افزایش می‌دهد و موجب ادغام سیستم بانکی می‌شود. در حقیقت در شرایط مطلوب‌تری که بانک‌ها احتمال زیان کلی را می‌پذیرند، باید شرایط بهتر وامدهی و تخصیص اعتبارات را انتظار داشت (اوگانا و پوپو، ۲۰۰۹).

بنابراین هدف این مقاله تبیین تأثیر توسعه روابط بین‌بانکی با رویکرد یکپارچگی در روابط بانکی به عنوان یک رویکرد نوین نرم‌افزاری در سیستم بانکی ایران است که در آن بتوان به ارزیابی هدفمندسازی اعتبارات و سودآوری بانک‌ها پرداخت. بر این اساس، با تمرکز بر گسترش روابط بین‌بانکی و با معرفی شاخص‌های یکپارچگی بانکی یک الگوی اقتصادسنجی پایه‌ریزی می‌شود که در آن با استفاده از داده‌های مقطعی بانک‌های کشور در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۷ اثرپذیری تخصیص اعتبارات و سودآوری بانک‌ها از این رویکرد جدید و سایر عوامل تعیین‌کننده ارزیابی شود.

در ادامه این مقاله، ابتدا در بخش دوم به مفهوم نظری روابط بین‌بانکی و ارتباط آن با رقابت‌پذیری پرداخته می‌شود و سپس ارتباط یکپارچگی و توسعه روابط بین‌بانکی، سودآوری و هدف‌پذیری اعتبارات به بحث گذاشته می‌شود. بخش سوم به اثرات توسعه روابط بین‌بانکی اختصاص دارد. در بخش چهارم ارائه مدل الگوی اقتصادسنجی مطالعه در دو معادله تفکیک‌شده سودآوری بانکی و تخصیص اعتبارات سیستم بانکی ایران تصریح می‌شود. بخش پنجم به تجزیه و تحلیل نتایج تجربی اختصاص دارد که برآوردها در محیط داده‌های پانلی حاصل شده است. بخش پایانی به نتیجه‌گیری نهایی و ارائه پیشنهادها می‌پردازد.

-
- 1- Saab and Vacher
 - 2- Fecht et al.
 - 3- Ongena and Popov

۲. روابط بین بانکی: مفهوم نظری

اگر بتوان بازده سرمایه‌گذاری واحدی (قیمت واحد) را در بازارهای یکپارچه با سطوح همگرایی یکسان و خصوصیات ریسکی مشابه در نظر گرفت، هزینه‌های خدمات بانکی و مالی نیز شبیه به بازارهای یکپارچه (غیرمالی) قابل تصور است (برنارد و بیسیگنانو، ۲۰۰۲). اطلاعات قیمتی در مورد بازده و هزینه‌ها می‌تواند به عنوان قوی‌ترین شواهد یکپارچگی ناشی از ارجاع به قانون قیمت واحد باشد. علاوه بر این، توسعه روابط مالی از جمله یکپارچگی با شاخص‌های قیمتی و مقداری اندازه‌گیری می‌شوند، به نحوی که همگرایی قیمتی دلالت بر آن دارد که تفاوت‌های قیمتی برای خدمات مالی یکسان فرایند کاهشی دارد. یکپارچگی مقداری نیز معمولاً به عنوان یک مکمل در جهت همگرایی در قیمت و کیفیت محصولات مطرح می‌شود.

در شاخص‌سازی برای میزان و چگونگی گسترش روابط بین بانکی، در حالت کلی می‌توان به شاخص‌های خدمات جزئی بانکداری، خدمات کلی بانکداری و خدمات مربوط به بازار سرمایه اشاره نمود که در بخش‌های بعدی به آنها پرداخته می‌شود. اولین بخش از گسترش روابط بین بانکی شامل خدمات جزئی بانکداری است که معمولاً فعالیت‌های سنتی تجاری بانک‌ها را شامل می‌شود. انواع سپرده‌ها و وام‌های سنتی مانند اعتبارات مصرف‌کنندگان، رهن، وام‌های تجاری در مقیاس کوچک و متوسط، حساب‌های پس‌انداز و بیمه عمر از اجزای مهم خدمات مالی جزئی هستند. در این خصوص، بازار مالی در بخش خدمات جزئی نسبتاً متنوع بوده و در رقابت با نهادهای مالی بزرگ قرار می‌گیرد. در ارزیابی میزان یکپارچگی جزئی، مانع عمده آن است که خدمات جزئی به وسیله نهادهای مالی متنوع عرضه شده و بنابراین در یک مقیاس وسیع و غیرقابل مقایسه ظاهر می‌شوند. از آنجا که اطلاعات قیمتی در سطح ملی پراکنده است، تفاوت و مقایسه بین محصولات و خدمات را سخت‌تر می‌نماید. علاوه بر این قیمت‌گذاری غیرمستقیم محصولات جزئی، مانعی برای مقایسه است (همفری و همکاران، ۱۹۹۸). به این دلیل قانون تک قیمتی در

1- Bernard and Bisignano

2- Humphrey et al.

خدمات جزئی به راحتی اجرایی نبوده و شاخص‌های مقداری یکپارچگی می‌تواند نقش تأثیرگذارتری را در عملکرد بانکی ایفا نماید.

بخش دیگری از فعالیت‌های بانکداری شامل خدمات کلی است که در آن دو طرف معاملات، بانک‌ها یا نهادهای مالی هستند. معمولاً تا جایی که یک بانک دارای کمبود نقدینگی می‌باشد، قادر به قرض گرفتن از سایر بانک‌ها است. در سیستم مالی غالب در اروپا، انتقال نقدینگی بین بانکی قسمت عمده‌ای از فعالیت عمده‌فروشی است. فعالیت‌های مشتقه نیز به دلیل استفاده از ابزار مدیریت ریسک و اهداف بازتوزیعی اهمیت زیادی یافته است. با وجود این، تا زمانی که ریسک‌های اعتباری متضمن معاملات ناامن برای بانک‌های قرض‌دهنده هستند و یا بانک‌ها نیاز به برنامه کنترلی اعتبارات رقیب دارند، یکپارچگی کامل تضمین نمی‌شود. در این رابطه، هالتوزن (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که تجزیه بازار یک نتیجه محتمل تحت شرایط پول تثبیت شده است، چنانچه اطلاعات بین بانکی از صحت و کیفیت چندانی برخوردار نباشد یا بانک‌ها از عدم توان بازپرداخت داخلی یکدیگر آگاه باشند. اما ظهور بازار یکپارچه و کارا زمانی امکان‌پذیر است که کیفیت اطلاعات بین‌مرزی به اندازه کافی خوب بوده و اعتماد به کیفیت طرف مقابل وجود داشته باشد.

جزء دیگر از یکپارچگی و توسعه فعالیت‌های بین بانکی که خارج از موضوع این تحقیق است، با بازار سرمایه در ارتباط است. در این شرایط چگونگی تخصیص پس‌اندازها، به استفاده‌کنندگان وجوه بلندمدت از طریق اوراق بهادار قابل معامله بازاری وابسته است. این جزء، مدیریت دارایی و تجارت مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های نهادی و سهام در مقیاس بزرگ را در بر می‌گیرد که به عناصری چون کیفیت خدمات، دسته‌بندی تولیدات، ظرفیت توزیع و شهرت مؤسسه واسطه مالی وابسته است. لذا به دلایل فوق قاعده قیمت واحد در این فعالیت‌ها سخت‌تر خواهد بود.

همچنین، شاخص‌های ادغام و همگرایی مالی دیگری مانند انحراف در نرخ‌های بهره بانکی نیز قابل تعریف است (واجان، ۲۰۰۷). برای مثال، در گزارش بانک مرکزی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ اشاره شده است که یکپارچگی در بازار بانکداری می‌تواند به طور مستقیم با در نظر گرفتن پراکندگی نرخ‌های بهره،

اعتبارات مصرف کننده و وامدهی برای خرید کالاهای خانگی و سپرده‌های توافقی اندازه گیری شود.

۱-۲. رقابت پذیری و توسعه روابط بین بانکی

در بسیاری موارد رقابت پذیری نیاز به حذف موانع و اصلاح قوانین داشته است. در این خصوص، کاهش نظارت دولت و مقررات زدایی به ایجاد رقابت بهتر بین گروه مشخصی از مؤسسات مالی در آمریکا و کشورهای اروپایی و حتی مؤسسات مالی گوناگون مانند بانکها و شرکت‌های بیمه‌ای در این کشورها منجر شده است (ویلکس، ۲۰۰۵).

بررسی اثرات رقابت درونی در بانکداری در بسیاری از مطالعات علمی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال بیکر و گرونولد (۱۹۹۸) و برانت و دیویز (۱۹۹۹) نشان می‌دهند که قدرت بازار و کارایی آن در سیستم‌های بانکداری اروپایی در سال‌های اخیر در اثر موج‌های یکپارچگی افزایش یافته است. نتیجه مشابهی نیز توسط دمسکی (۱۹۹۹) در مورد آمریکا به دست آمده است. در عمل، این فرایند دوسویه است، زمانی که یکپارچگی مؤسسات مالی انگیزه‌های رقابت داخلی را بین آنها تقویت می‌کند و در نقطه مقابل یکپارچگی حاصل افزایش قدرت و رقابت آنها باشد.

غالباً مشخص کردن اینکه در یک نهاد مالی کدام رویکرد محرک و انگیزه رقابت را ایجاد می‌نماید، مشکل است. در برخی موارد پیشرفت‌های فناوری ارتباطات یا کامپیوتر یا رویدادهای اقتصاد کلان از جمله افزایش نرخ بهره اسمی، به عنوان یک محرک ایفای نقش می‌کنند. علاوه بر این، هرچه رقابت نزدیک‌تر باشد بانکها مجبورند به منظور جلوگیری از کاهش سهم بازاری سریع‌تر واکنش نشان دهند. یکپارچگی در بازارهای بین بانکی می‌تواند موجب تسریع در شرایط وامدهی شود. از سوی دیگر، در واکنش به شرایط جدید رقابت ممکن است جریان‌های سیال تری بین سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری مشاهده شود که سرانجام به کارایی بیشتر در بازارهای بانکی منجر شود. (ساب و ویکر، ۲۰۰۷).

1- Bikker and Groeneveld

2- Branet and Dioyez

3- Dymski

۲-۲. سودآوری و هدفمندسازی اعتبارات بانکی

توسعه و ایجاد یکپارچگی بین بانکی می تواند قابلیت استفاده از وام ها و افزایش هزینه وام های اعطایی را از سه طریق کاهش دهد: (۱) افزایش رقابت برای تهیه وام های بانکی، (۲) کاهش هزینه سرمایه خارجی برای بانک ها و (۳) ایجاد تنوع بیشتر در ریسک و خطر احتمالی (آنجنا و پوپوف، ۲۰۰۹). زمانی که بازار بین بانکی دسترسی به وام های کوتاه مدت و بلندمدت را به منظور تهیه سرمایه برای سرمایه گذاری بانک ها فراهم می کند، همگرایی بازار بین بانکی به بانک ها اجازه و امکان سرمایه گذاری بیشتر یا کمتر را می دهد. بازار بین بانکی بدون اینکه خطر مالی (بین منطقه ای) و سرایت و انتقال را در نظر گیرد، بر تنوع فعالیت ها تأکید دارد. اما یک جنبه منفی احتمالی در این رویکرد وجود دارد و آن هم زمانی که انتظار می رود هماهنگی شرایط تأمین مالی بهبود یافته و نسبت بدهی به دارایی خالص برای شرکت هایی که به اعتبارات بانکی دسترسی دارند افزایش یابد، یکپارچگی و هماهنگی سریع تر می تواند به توسعه مالی از طریق گسترش نسبت بدهی به دارایی خالص یا وابستگی به وام های بانکی منجر شود (جیانتی و آنجنا، ۲۰۰۹).

۳. اثرات توسعه روابط بین بانکی

یکی از مهم ترین موارد برجسته از همگرایی و تعمیق روابط بین بانکی را می توان در اتحادیه اروپا یافت. معاهده روم (۱۹۵۷) اصول اولیه خلق یک بازار واحد اروپایی برای خدمات مالی را دربرداشت، به خصوص آنکه ترکیب بازار واحد با تعدیلات ملی مختلف، مقید شد (دیریک و وسالا، ۲۰۰۲). تا اواسط دهه ۱۹۷۰، سیستم های بانکداری ملی اروپایی دارای قاعده و قانون مستقل بودند و از رقابت خارجی حفظ می شدند، به طوری که بازارهای ملی از ثبات بالا برخوردار بودند و پیشرفت های انحصار چندقطبی از خود نشان می دادند. در این بین شرکت های بانکداری منطقه ای به صورت استراتژیک به دو صورت عکس العمل نشان دادند. ابتدا توافقات به صورت تبانی در قیمت ها (نرخ ها و حق الزحمه ها) و سپس رقابت به سوی

1- Ongena and Popov

2- Giannetti and Ongena

مناطقى كه بانك در آن ايجاد مى‌شد. در برخى موارد نيز توافقات به صورت تبانى توسط دولت مى ترغيب مى‌گرديد (ويوز، ۱۹۹۹).

اگرچه شرايط آزادسازى مالى در بيشتر كشورها در نيمه دوم دهه هفتاد به وجود آمد، برخى مطالعات تجربى نشان دادند كه مؤسسات بانكى در بسيارى از مناطق قبل از ايجاد بازار مستقل اروپايى، تحت شرايط رقابت ناقص عمل مى‌كردند. در همان زمان بسيارى از شعبه‌ها در بازارهاى ملى كه به صورت تبانى عمل مى‌كردند بسيار انبوه و متراكم شدند.

امضاي «قانون بازار مستقل اروپايى» در سال ۱۹۸۵ و تلاش‌هاى اساسى براى ايجاد بازار مستقل اروپايى، محيط بانكدارى اروپايى را به طور اساسى تغيير داد. بازار مستقل اروپايى اولين جهش در فرايند آزادسازى مالى و يکپارچگى اقتصادى در اروپا بود. در زمينه مالى و بانكدارى، اين عمل موجب ايجاد تلاش‌هاى براى آزادسازى و هماهنگ‌نمودن قوانين محتاطانه در سطح اروپا شد. دومين قانون و دستور بانكدارى در سال ۱۹۸۹ تصويب شد و تا سال ۱۹۹۳ به اجرا در آمد كه در آن قوانينى براى كنترل داخلى كشورى و توافق دوجانبه در ايجاد فعاليت‌هاى بانكى به وجود آمد و اين بهترين چارچوب براى يك بازار بانكدارى اروپايى تلقى شد.

بازار گسترش‌يافته و امكانات جديد براى ايجاد خدمات مالى بين‌مرزى، محيط رقابتى را در هر كشور تشديد نمود و زمينه ورود بالقوه بانك‌هاى خارجى و افزايش تعداد واسطه‌هاى مالى را كه از عوامل رقابتى مهم در اين فرايند بود فراهم ساخت. در اين مرحله بانك‌هاى داخلى با اتخاذ چندين مقياس استراتژيكي و عملياتى به اين تغييرات قانونى و محيطى پاسخ دادند. اولين پاسخ آنها اين بود كه حدود نرخ بهره را کاهش دادند. اين تمايل براى ميانگين كشورهاي اتحاديه اروپا تا ۳/۴ در سال ۱۹۹۹ ادامه يافت. لذا در نتيجه کاهش كلى در نرخ‌هاى بهره، بانك‌هاى اروپايى به دنبال جستجوى منابع جايجزين مانند حق‌الزحمه‌ها براى درآمد بودند تا بتوانند درجه رقابتى سود خود را حفظ نمايند. همچنين بانك‌هاى اروپايى به دليل گسترش و تکميل فرايند توسعه روابط مالى بين‌بانكى در شبكه‌هاى ارتباطى و تكنولوژى اطلاعات و به خصوص در بخش‌هاى فروش و صنعتى سرمايه‌گذارى‌هاى عمده‌اى نمودند (بانك مركزى اروپا، ۱۹۹۹).

در عمل، زمانى كه اثرات و فراگيرى فعاليت‌هاى بين‌بانكى در سيستم بانكى

مورد تحلیل قرار می‌گیرد، باید به نتایج اقتصادی آن نیز توجه شود. مطالعات تجربی اخیر عمدتاً نشان می‌دهند که افزایش مقیاس عملکرد بانکی ناشی از تعمیق روابط بین‌بانکی موجب ایجاد نتایج مثبت شده است. برای مثال، سولانز و پناروبیا (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای برای دوره ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ بیان می‌کنند، در حالی که یکپارچگی بومی سودآوری و کارایی عملیاتی را افزایش داده است، فراگیری‌های بین‌مرزی موجب کاهش میانگین هزینه‌ها شده است.

نقش بازارهای بین‌بانکی برای تعدیل شوک‌های نقدینگی خاص بانکی و اجتناب از نقدشوندگی غیرضروری سرمایه‌گذاران بلندمدت برای اولین بار توسط باتاری چاری و گال (۱۹۸۷) مطرح شد. سپس علاوه بر این، نقش مخاطرات اخلاقی (راکت و تیروول، ۱۹۹۶)، ریسک نقدینگی جمعی (آلن و گال، ۲۰۰۰) و ریسک اعتبارات (پاریچی و راکت، ۲۰۰۰) در روابط بانکی معرفی شدند. این مطالعات نتایج مشابهی را در سرایت شوک توسط بازارهای بین‌بانکی و اثرات شبکه ارتباطی وامدهی بین‌بانکی که ممکن است شکنندگی مالی را دربرداشته باشد، ارائه نمودند. مضافاً باهااتا چاری و فالقوری (۱۹۹۴) کارایی یک بازار بین‌بانکی را در چارچوبی که بانک‌ها با زمانبندی نامطمئن بازگشت‌های نقدینگی مواجه هستند، تحلیل نمودند. هولمستروم و تیروول (۱۹۹۸) نیز در مورد اثر تدارک نقدینگی به وسیله بخش عمومی بحث کردند. فرکساز و فابرا (۲۰۰۴) نیز در بررسی یکپارچگی بازار بین‌بانکی، مهم‌ترین دلیل و مانع یک بازار بین‌بانکی یکپارچه را وجود اطلاعات نامتقارن بین بانک‌ها و کشورهای مختلف می‌دانستند. اما کاراس و همکاران (۲۰۰۸) در بررسی بازار بین‌بانکی روسیه نشان می‌دهند که مسیر نقدینگی به طور معناداری به درک و پیش‌بینی بحران‌های بازار بین‌بانکی کمک می‌کند.

-
- 1- Solanes and Penarrubia
 - 2- Bhattacharya and Gale
 - 3- Rochet and Tirole
 - 4- Allen and Gale
 - 5- Porrichi and Rokat
 - 6- Charry and Falghry
 - 7- Holmstrom and Trrol
 - 8- Ferksaz and Fabra
 - 9- Karas et al.

گلفاند و اسپلر (۱۹۸۴) و اسپلر و فاوارو (۱۹۸۷) اثرات رقابتی تخفیف محدودیت‌های ورودی در صنعت بانکداری اروگوئه را بررسی نموده و نتیجه گرفتند که اثر متقابل استراتژیک بین بازارهای مختلف و بین بانک‌ها بعد از اصلاحات کاهش می‌یابد. اخوین و همکاران (۱۹۹۷) کارایی بانکی را با استفاده از یک تابع سود که کارایی هزینه و درآمد حساب‌ها را دربردارد، اندازه‌گیری نموده و به این نتیجه می‌رسند که در اثر ادغام و یکپارچگی بانک‌های بزرگ افزایش معناداری در کارایی آنها ایجاد می‌شود. کرنر و تهرانیان (۱۹۹۲) نیز به این نتیجه رسیده‌اند که بانک‌های یکپارچه‌شده با جریان گردش وجوه بالا، توانایی زیادی برای جذب وام‌ها و پس‌اندازها دارند.

اونجنا و پوپوف (۲۰۰۹) در مطالعه خود تأثیر یکپارچگی بازار بانکی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را در افزایش توان و ذخایر به منظور مقابله با بحران‌های مالی اخیر بررسی نموده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که یکپارچگی بازار بین بانکی به فشارها و محدودیت‌های کمتری در وام‌گیری و در نتیجه نرخ وام کمتر منجر می‌شود. سولانز و پناروبا (۲۰۰۱) در مقاله «یکپارچگی اقتصادی و استراتژی‌های یکپارچگی بانکداری» با استفاده از یک مدل فضایی، یکپارچگی‌های منطقه‌ای و فراگیری را در سیستم‌های بانکداری خرد اروپایی توضیح می‌دهند. آنها در این تحقیق نشان می‌دهند که تمرکز بانکداری منطقه‌ای، قدرت بازار را افزایش داده است.

دیریک و وسالا (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «یکپارچگی بانکداری در اتحادیه اروپا» شاخص‌های یکپارچگی را برای سه محصول و خدمت عمده، خرده و مرتبط با بازار سرمایه در نظر گرفته‌اند. نتایج حاکی از آن است که ظهور بازارهای یکپارچه قوی در خدمات بانکداری به علت ابزارهای نامطمئن کم‌رنگ بوده است، که حاکی از وجود موانع استقرار و تهاتر بانکی در معاملات مرزی بوده است. از منظر مدیریت دارایی و کسب‌وکار چند پارگی ساختار استقرار و تهاتر بانکی فرایند معاملات ناامن بین مرزی را به طور معناداری پیچیده می‌نماید که این پیچیدگی‌ها به همراه تفاوت در نیازهای تکنیکی، تعدیلات مالی و شیوه‌های بازاری به عنوان

- 1- Gelfand and Spoller
- 2- Spoller and Favaro
- 3- Akhavein et al.
- 4- Kernet and Tehranian

موانع اصلی کارایی خدمات بانکی عمل می‌کنند. در این مقاله همگرایی در سود دیده شده و یکپارچگی در مواقعی سریع‌تر پیشرفت کرده است که شرکت‌کنندگان بر منابع فائق آمده و موانع را برطرف کرده‌اند.

آنجلینی و کتورلی (۲۰۰۰) در تحلیل و ارزیابی وضعیت رقابتی در صنعت بانکداری ایتالیا با استفاده از داده‌های ترازنامه بنگاه‌ها در دوره ۱۹۸۳-۱۹۹۷ نشان می‌دهند که اثرات یکپارچگی و اصلاحات قانون‌گذاری در مقیاس بزرگ و فشار رقابتی از دیگر کشورهای اروپایی به طور اساسی محیط بانکداری را تغییر داده است. این تغییر همراه با اثرات تعادلی بالقوه بر درجه رقابت‌پذیری بازار بانکداری بوده است. بیگر (۲۰۰۴) در مقاله خود با عنوان «صرفه‌های حاصل از یکپارچگی در بانکداری» که از داده‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۲ صنعت بانکداری ایالات متحده استفاده کرده، اثر صرفه‌های مقیاس ناشی از یکپارچگی را بر عملیات بانکی معنادار به دست آورده است. کولر (۲۰۰۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نظارت بر ادغام به عنوان مانعی برای یکپارچگی بانکداری در اتحادیه اروپا» درجه استقلال سیاسی و شفافیت نظارت‌های ادغام را بسیار مهم ارزیابی می‌کند و آن را در اروپای شرقی ضعیف می‌داند. وی در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که کمیسیون اتحادیه اروپا برای بهبود یکپارچگی بین‌مرزی باید شفافیت و اطمینان قانونی نظارت بر ادغام‌ها را افزایش دهد. این موضوع در نهایت به افزایش یکپارچگی بین‌بانکی و بهبود کارایی بازار بانکداری در کسب سودآوری و تخصیص بهینه اعتبارات به اقتصاد اروپایی منجر می‌شود.

بنابراین توسعه روابط بین‌بانکی در قالب ادغام و یکپارچگی همه یا بخشی از های بانکی اهمیت بالایی دارد و آثار زیادی را به دنبال داشته است.

۴. ارائه مدل

در این مطالعه به منظور بررسی میزان اثرپذیری سودآوری (و رقابت‌پذیری) و تخصیص اعتبارات سیستم بانکی از گسترش روابط بین‌بانکی یک مدل تجربی رگرسیونی شامل معادلات سودآوری و تخصیص اعتبارات تصریح می‌شود و سپس

1- Angelini and Cetorelli

2- Koehler

در قالب داده‌های تابلویی برآورد می‌شود.

۱-۴. تصریح معادله سودآوری

بانک‌ها از طریق ارائه خدمات بانکی به مشتریان کسب درآمد می‌نمایند. این خدمات از طریق جذب سپرده‌های مردم با نرخ بهره پایین و اعطای تسهیلات با نرخ بهره بالاتر و در نتیجه اختلاف دو نرخ که عایدی بانک بوده و به آن حاشیه سود و بهره گفته می‌شود، صورت می‌پذیرد. بنابراین، در تحلیل‌های سودآوری بانک اینکه ارزش واقعی سودها ممکن است به وسیله نرخ‌های تورم و بهره در زمان‌های مختلف تغییر کنند، بسیار با اهمیت است.

با توجه به مطالعه فالنکامپ و همکاران (۲۰۰۴) زمانی که نرخ بهره کاهش می‌یابد، نرخ استفاده از خدمات بانکی افزایش یافته که در نهایت به سودآوری در سیستم بانکی منجر می‌شود. به علاوه، نوسان در نرخ بهره حاشیه سود ناخالص بانک‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب نوسان در سود انتظاری آنها می‌شود. دارایی‌ها و منابع بانکی نیز از معیارهای ارزیابی کارایی و سودآوری در شبکه بانکی است که به تنهایی نمی‌تواند شاخصی برای ارزیابی کارآمدی و کارایی شبکه بانکی باشد، بلکه نشان‌دهنده توانایی سیستم مالی در استفاده از سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات است (تراپیان، ۱۳۸۵). رشد مداوم تولید ناخالص داخلی ثبات در رشد پایدار منابع بانکی را ایجاد می‌نماید. بنابراین انتظار می‌رود یک رابطه مستقیم بین رشد اقتصادی و سودآوری بانکی وجود داشته باشد.

در بانک‌هایی که دارای فعالیت ارزی هستند، نوسان‌های نرخ ارز پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمد‌های ناشی از دارایی‌ها و تسهیلات ارزی و هزینه‌های تأمین منابع ارزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوسان‌های نرخ ارز هم خطا در پیش‌بینی حاشیه سود ناخالص بانک‌ها را افزایش می‌دهد و هم موجب افزایش خطا در پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی می‌شود (فالنکامپ و همکاران، ۲۰۰۴). از سوی دیگر، نوسان‌های نرخ تورم نیز بر پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها، بدهی‌ها و درآمد‌های ناشی از دارایی (درآمد تسهیلات اعطایی) و هزینه بدهی‌ها (هزینه تأمین منابع) اثرگذار است. این نوسان‌ها از یک طرف خطا در پیش‌بینی

حاشیه سود ناخالص بانک‌ها را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر باعث ایجاد خطا در پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های مالی بانک می‌شود. پس انتظار می‌رود افزایش نرخ تورم از حاشیه سود بانک‌ها کاسته و به ایجاد یک رابطه غیرمستقیم بین آن دو منجر شود.

با توجه به این توضیحات، معادله سودآوری بانکی در قالب یک رگرسیون پانلی اقتصادسنجی به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$LP_{it} = \gamma + \alpha_i + S_1 LFI_{it} + \sum_{k=1}^k S_k W_{kit} + U_{it} \quad ()$$

که در آن LP_{it} لگاریتم سود بانک i در سال t است. مقادیر این متغیر پس از کسر مالیات که بر اساس گزارش عملکرد نظام بانکی کشور و توسط مؤسسه عالی بانکداری ایران در سال‌های مختلف تهیه شده است. W_{kit} بردار k متغیرهای توضیحی است که سودآوری بانک i را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این متغیرها بر اساس ادبیات موضوع شامل لگاریتم نرخ تورم (LINF)، لگاریتم نرخ سود بانکی (LR)، لگاریتم نرخ ارز (LER) و لگاریتم تولید ناخالص داخلی (LGDP) است. α_i اثرات انفرادی هر بانک می‌باشد که در قالب اثرات ثابت یا اثرات تصادفی در مدل بررسی می‌شوند. U_{it} جزء اخلاص مدل رگرسیون، و γ نیز عرض از مبدأ مدل رگرسیونی است.

در این مدل همچنین شاخص توسعه روابط بین‌بانکی با رویکرد یکپارچگی در ارائه تسهیلات و تأمین منابع است که به صورت لگاریتم مجذور تفاضل اعتبارات پرداختی بانک i ام در زمان t نسبت به میانگین کل اعتبارات سیستم بانکی در زمان t محاسبه می‌شود. روش محاسبه این شاخص به صورت زیر است:

$$LFI_{it} = \log(CR_{it} - MCR_t)^2 \quad ()$$

که در آن CR_{it} اعتبارات اعطایی بانک i در زمان t و MCR_t میانگین کل اعتبارات اعطایی سیستم بانکی در زمان t است. در عمل، شاخص پیشنهادی از یک طرف نشانگر وحدت رویه و سیاستی بانک‌ها در تخصیص اعتبارات خود به بخش‌های اقتصادی است، زیرا با توجه به حجم متفاوت منابع بانکی، ناهمگنی در ساختار بانک‌ها وجود دارد. بنابراین فرض بر این است که هر یک از بانک‌ها در هر

زمان حول مقدار مطلوب که میانگین تسهیلات اعطایی در یک زمان معین است، به گونه‌ای اقدام به عرضه تسهیلات نمایند که عملکرد خود را به مقدار متوسط در هر سال نزدیک کنند. از سوی دیگر هر یک از بانک‌ها در ایران با نرخ سود سپرده یکسان مواجه‌اند، به طوری که به طرق مختلف تلاش می‌کنند در جذب سپرده‌ها با سایر بانک‌ها رقابت نمایند. جذب سپرده‌ها انعطاف‌پذیری بانک‌ها را در تخصیص منابع و نزدیک شدن به میانگین اعتبارات اعطایی افزایش می‌دهد. لذا انتظار می‌رود علامت LFI در معادله سودآوری منفی باشد، زیرا هر چه فاصله اعتبارات اعطایی یک بانک با مقدار متوسط کمتر باشد، همگرایی در ارائه تسهیلات اتفاق می‌افتد که نتیجه آن افزایش سودآوری در سیستم بانکی خواهد بود.

۲-۴. تصریح معادله تخصیص اعتبارات

معادله تصریح‌شده در این قسمت برگرفته از الگوی امل و هانان (۱۹۹۹) است که در آن فرض می‌شود کل سپرده‌ها و اعتبارات یک بانک (S_i) تابعی از نرخ بهره (نرخ سود سپرده و وام) است. علاوه بر این، بردار Z مجموعه‌ای از سایر عوامل تأثیرگذار بر عرضه و تقاضای این وجوه است. یک رابطه تبعی توسط این محققین به صورت زیر قابل تعریف است:

$$S_i = S_i(r_i, Z_i) \quad ()$$

که در آن r_i نشان‌دهنده نرخ سود بانکی در بانک i است. از آنجا که نرخ سود بانکی برای کلیه بانک‌های دولتی و خصوصی در سیستم بانکداری کشور تا کنون یکسان بوده است، می‌توان آن را یک متغیر همگن در تابع فوق در نظر گرفت. تسهیلات اعطایی در نرخ‌های متفاوت ایجادکننده درآمدهای بانک در سطوح مختلف است. این تسهیلات طیف وسیعی از انواع فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی را شامل می‌شود و از لحاظ ماهیت به تسهیلات جاری با دوره بازپرداخت کوتاه‌مدت و سرمایه‌ای با دوره بازپرداخت بلندمدت تقسیم می‌شود. منابع مالی هم که بانک‌ها با استفاده از آنها تسهیلات مختلف را اعطا می‌نمایند، شامل انواع سپرده‌ها، استقراض از سایر بانک‌ها و انتشار گواهی سپرده هستند که البته هر کدام

تحت تأثیر نرخ سود بانکی قرار دارد (اشراقی و سلامی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، نرخ‌های متفاوت سپرده‌ها و تسهیلات نشانگر نرخ‌های مختلف بهره است. لذا ترکیب‌های متنوع سپرده‌ها و تسهیلات که به منزله منابع و مصارف بانکی است، سودهای متفاوتی را برای بانک ایجاد می‌کنند، به طوری که هر مجموعه پرتفوی منابع یک مقدار سود معینی را باعث می‌شود. با این حال، اگرچه سیستم بانکی ایران نمی‌تواند تعقیب‌کننده چنین هدفی باشد، (زیرا در مواجهه با دستورالعمل‌های بانک مرکزی مبنی بر پذیرش یک نرخ سود قرار دارد) اما تغییرات در یک نرخ سود همگن، هم پرتفوی تسهیلات و هم سپرده‌های بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طریق آن آثار مثبت و منفی را بر تخصیص اعتبارات ایجاد می‌کند. علاوه بر این، همان‌طور که گفته شد با وجود نرخ‌های یکسان، بانک‌ها در جذب سپرده‌ها در رقابت‌اند و هر بانک سعی می‌کند تا سهم خود را در بازار سپرده افزایش دهد.

همان‌طور که اشاره شد، بردار Z_i مجموعه‌ای از سایر عوامل تأثیرگذار بر تخصیص اعتبارات بانکی را دربرمی‌گیرد، که در الگوی امل و هانان (۱۹۹۹) بر متغیرهایی مثل درآمد و اشتغال تأکید شده است. بدین جهت استگمن و فاریس (۲۰۰۳) نیز استدلال می‌کنند که تقاضای وام و عرضه تسهیلات توسط بانک بستگی به درآمد و سطح اشتغال در جامعه دارد، زیرا افزایش در این دو متغیر به منزله بهبود در فضای کسب‌وکار جامعه است، به طوری که انتظار می‌رود با بهبود فضای کسب‌وکار در جامعه تخصیص اعتبارات نیز کارآمدتر شده و افزایش یابد. لذا در این مطالعه از لگاریتم درآمد سرانه (LGDPPC) و لگاریتم اشتغال نیروی کار (LL) در معادله تخصیص اعتبارات استفاده می‌شود.

بر اساس مباحث قبلی، از شاخص یکپارچگی و توسعه روابط بین‌بانکی (LFI) نیز در معادله تخصیص اعتبارات استفاده می‌شود تا رویکرد رقابت‌پذیری بانک‌ها را در فرایند مشارکت، یکپارچگی و تأمین منابع و سپس عرضه کارآمد آنها مورد بررسی قرار دهد. بنابراین انتظار می‌رود علامت این متغیر در معادله تخصیص اعتبارات سیستم بانکی ایران منفی باشد، به طوری که همگرایی در تخصیص اعتبارات بانک‌ها ایجاد می‌نماید.

انتظار می‌رود متغیرهای دیگری مثل لگاریتم نرخ ارز (LER) و لگاریتم نرخ تورم (LINF) نیز نقش مؤثری در چگونگی تخصیص اعتبارات بانکی ایفا نمایند. همان‌طور که مطرح شد، در بانک‌هایی که فعالیت ارزی دارند نوسان‌های نرخ ارز، پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدهای ناشی از دارایی (درآمد تسهیلات ارزی) و هزینه‌های بدهی‌ها (هزینه تأمین منابع ارزی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوسان‌های نرخ ارز هم خطا در پیش‌بینی حاشیه سود ناخالص بانک‌ها را افزایش می‌دهد و هم موجب افزایش خطا در پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی می‌شود. بنابراین، نوسان‌های نرخ ارز می‌تواند بر کاهش ارائه تسهیلات بانکی به افراد و بخش‌ها مؤثر باشد. به علاوه، در اینجا نیز نرخ تورم پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها، بدهی‌ها و درآمدهای ناشی از دارایی (درآمد تسهیلات اعطایی) و هزینه بدهی‌ها (هزینه تأمین منابع) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نوسان‌ها از یک طرف خطا در پیش‌بینی حاشیه سود ناخالص بانک‌ها را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر باعث ایجاد خطا در پیش‌بینی ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های مالی بانک می‌شود که در نهایت بر عرضه تسهیلات بانکی اثر منفی ایجاد می‌کند (ترا بیان، ۱۳۸۵).

در مجموع، یک فرم خطی - لگاریتمی از معادله تخصیص اعتبارات بانکی در قالب رهیافت داده‌های پانلی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$LCRA_{it} = \alpha + \alpha_i + \sum_{j=1}^6 \beta_j Z_{jit} + V_{it} \quad ()$$

که در آن α و α_i به ترتیب عرض از مبدأ معادله و اثرات انفرادی بانک i هستند. در این رابطه $LCRA_{it}$ لگاریتم شاخص تخصیص اعتبارات بانک i در زمان t است که در این مطالعه برای شاخص فوق، ابتدا از کل اعتبارات هر بانک در هر سال و سپس از سهم اعتبارات بانک مورد نظر به بخش‌های مختلف در هر سال استفاده شده است. بردار Z_{it} هم شامل متغیرهای توضیحی است و به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$Z_{jit} = [LR_t, LFI_{it}, LGDPPC_t, LL_t, LER_t, LINF_t] \quad (5)$$

که در آن LR لگاریتم نرخ سود بانکی، LFI لگاریتم شاخص یکپارچگی و توسعه روابط بین بانکی، LGDPPC لگاریتم درآمد سرانه، LL لگاریتم اشتغال نیروی کار،

LER لگاریتم نرخ ارز و LINF لگاریتم نرخ تورم است. V_{it} در رابطه ۴ نیز عامل اخلاص معادله است که فرض می‌شود خوش‌رفتار باشد.

۵. نتایج تجربی

با استفاده از داده‌ها و اطلاعات ۱۶ بانک دولتی و خصوصی ایران در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷، ضرایب معادلات تصریح‌شده در بخش قبل که مربوط به سودآوری و تخصیص اعتبارات نظام بانکی کشور است، به روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی برآورد شدند. منابع آماری این داده‌ها حاصل گزارش‌های عملکرد نظام بانکی کشور که توسط مؤسسه عالی بانکداری در سال‌های مختلف گردآوری شده است و گزارش‌های سری‌های زمانی متغیرهای کلان از پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است.^۳

نتایج برآوردی که از خروجی نرم‌افزار Stata حاصل شده، در جدول‌های ۱ و ۲ گزارش شده است. در تشخیص کارایی یا سازگاری نتایج، از آزمون‌های شناختی مورد نیاز مانند آزمون F لیمر (برای انتخاب بین رهیافت داده‌های پانلی یا داده‌های تلفیقی)، هاسمن (برای انتخاب بین اثرات تصادفی و اثرات ثابت) و آزمون ضریب فزاینده بروش پاگان (برای انتخاب بین اثرات تصادفی و روش حداقل مربعات معمولی) استفاده شده است.

جدول ۱ نشانگر نتایج تجربی تخمین معادله سودآوری سیستم بانکی کشور است که با توجه به آزمون‌های F لیمر و هاسمن روش اثرات ثابت مورد تأیید قرار گرفته است.

1- Fixed Effects (FE).

2- Random Effects (RE).

3 - www.cbi.ir

4- F Leamer Test

5- Hausman Test

6- Breusch- Pagan Lagrangian Multiplier Test

جدول ۱- نتایج برآوردی معادله سودآوری به روش اثرات ثابت (FE) و اثرات تصادفی (RE)

اثرات تصادفی (RE)	اثرات ثابت (FE)	
-۵۹/۵۹ (Z= -۱/۶۷)	-۵۸/۰۸۹ (t= -۱/۷۵)	Constant
۰/۰۵۳ (Z= ۰/۷۳)	-۰/۱۴۵ (t= -۱/۷۰)	LFI
۱۰/۳۱ (Z= ۱/۰۲)	۹/۹۶ (t= ۱/۰۶)	LR
۰/۳۳۸ (Z= ۰/۷۳)	۰/۲۶۷ (t= ۰/۶۲)	LER
-۰/۰۱۶ (Z= -۰/۰۲)	۰/۵۲۶ (t= ۰/۷۲)	LINF
۲/۲۵۸ (Z= ۳/۱۹)	۲/۴۴ (t= ۳/۷۲)	LGDP
۰/۰۳۵۷	۰/۴۲۸	R ²
۱۱۹ F = ۵/۶۶ (Pr = ۰/۰۰۰) ۱۸/۷۸ (Pr = ۰/۰۰۲۱)		تعداد مشاهدات آماره F _{Leamer} آماره هاسمن H

: های ت

بر اساس این نتایج، از بین متغیرهای کلان ایران، متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی و لگاریتم شاخص یکپارچگی و توسعه روابط بین بانکی دارای ضرایب معنی دار و مطابق با انتظارات بوده است، به طوری که هر گونه تغییر در این متغیرها تغییرات هم جهتی را در سودآوری سیستم بانکی ایران ایجاد می کند. با این حال، سایر متغیرهای کلان مانند نرخ سود بانکی، نرخ ارز و نرخ تورم نتوانسته اند نقش معنی داری در توضیح دهندگی سودآوری بانکی ایفا نمایند. البته چنین نتایجی به دور از واقعیت نیست، زیرا در سیستم بانکداری ایران نرخ بهره رسمیت نداشته و

این نرخ تحت عنوان نرخ سود بانکی به عنوان یک متغیر کاملاً برونزا خارج از بازار پول تحت کنترل مستقیم بانک مرکزی قرار داشته است.

بی‌اثر بودن متغیرهای نرخ ارز و نرخ تورم می‌تواند حاکی از ساختار سیستم بانکی کشور به دلیل عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی از یک طرف و عدم تحرک نرخ ارز و قیمت‌ها در شرایط نبود یک بازار کارآمد مالی از سوی دیگر باشد. طبق نتایج به دست آمده، معنی‌داری ضریب متغیر توسعه روابط بین بانکی در این معادله که دارای علامت منفی است، فرضیه مطرح شده در این مطالعه را مورد تأکید قرار می‌دهد، به طوری که ایجاد همگرایی در اعتبارات اعطایی بانک‌ها نسبت به یک مقدار میانگین در بازار بانکی (که شکاف اعتبارات را با آن مقدار میانگین کاهش می‌دهد) سودآوری سیستم بانکی را افزایش می‌دهد. این بدین معناست که یکپارچگی بانکی از طریق همگرایی در عرضه اعتبارات، ابزار مناسبی برای تأمین منابع هر بانک از طریق رقابت در جذب سپرده‌ها و افزایش سودآوری خواهد بود.

جدول ۲ نتایج برآوردی مربوط به معادله تخصیص اعتبارات بانکی را به روش اثرات تصادفی گزارش می‌کند. طبق مباحث مطرح شده در بخش قبل که مربوط به تصریح معادله فوق و اندازه‌گیری متغیر تخصیص اعتبارات به عنوان متغیر وابسته و تأثیرپذیر بود، بر سهم اعتبارات تخصیص یافته هر بانک به بخش‌های اقتصادی تأکید شد. با این حال، در برآورد این معادله مجدداً از لگاریتم کل اعتبارات اعطایی هر بانک به عنوان یک تقریب استفاده شد. نتایج حاصل بیانگر معنی‌داری شاخص توسعه رابطه مالی بین بانکی و ضرایب لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه و متغیر مجازی ورود بانک‌های خصوصی (Dp) به سیستم بانکی کشور بوده است.

جدول ۲- نتایج برآوردی تخمین معادله تخصیص اعتبارات بانکی به روش اثرات تصادفی

Dp	LGDPPC	LINF	LER	LR	LFI	Constant	
-۱/۹۰۱	۱/۴۵۹	-۰/۱۹۹	۰/۴۲۸	۰/۹۷۵	۰/۱۵۴	-۳/۵۱۹	
(-۳/۸۶)	(۲/۵۰)	(-۰/۳۲)	(۱/۲۱)	(۰/۱۲)	(۲/۴۳)	(-۰/۱۵)	
/ = (LM) آماره بروش پاگان			/ = (R ²)			تعداد مشاهدات =	

های ت :

نتایج نشان می‌دهند که ضریب شاخص LFI در برآورد معادله تخصیص اعتبارات معنی‌دار است، اما علامت آن مثبت و خلاف انتظار بوده است. در حقیقت، به دلیل تفاوت فاحش در ساختار بانک‌ها که مجموعه بانک‌های دولتی و خصوصی را در برمی‌گیرد، همگرایی بین بانکی می‌تواند به کاهش اعطای اعتبارات بانکی منجر شود، به طوری که این نتیجه را می‌توان متأثر از ناکارآمدی سیستم بانکی ناشی از ارائه تسهیلات تکلیفی به دور از یک فضای مستقل بانکی دانست. این نتیجه را حتی می‌توان در اثربخشی ورود بانک‌های خصوصی به نظام بانکی کشور نیز تجربه نمود که در آن ضریب متغیر مجازی مربوطه معنی‌دار اما دارای علامت منفی بوده است که منجر به اثرات منفی بر تسهیلات اعطایی بانک‌ها شده است. تنها متغیر اثرگذار که نتیجه‌ای مطابق با انتظار کسب کرده است، تولید ناخالص داخلی سرانه است که نشان می‌دهد اگر درآمد و قدرت خرید جامعه افزایش یابد، درخواست برای تسهیلات نیز افزایش یافته و به تبع آن حجم اعتبارات اعطایی هم افزایش خواهد یافت.

۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در شرایط نوین نظام بانکداری که رویکرد و نگرش بانک‌ها به مجموعه فعالیت‌های محلی، ملی و فرا مرزی به صورت بنگاه‌های اقتصادی رقابت‌پذیر با کسب مشارکت بیشتر در عرصه این فعالیت‌هاست، توجه به استفاده از ابزارهای متنوع در تأمین مالی و تشکیل پرتفوی مؤثر برای یک سیستم مالی ضرورت می‌یابد. در واقع، این مقاله با مروری بر مبانی نوین نظری بازار مالی و مطالعات تجربی نشان داد که یکپارچگی و توسعه روابط مالی بین بانکی، مشارکت در یک مسیر رقابتی و رقابت‌پذیر شدن نهادهای مالی در شرایطی که امکان همکاری و مشارکت در بازارهای پولی و سرمایه وجود دارد، جملگی می‌تواند به کارآمدتر شدن منابع و مصارف سیستم مالی کشور کمک کند.

از آنجا که ساختار نظام بانکی کشور همچنان از عملکرد مناسب برخوردار نیست که البته در طول زمان ریشه در عواملی چون ساختار سنتی نظام بانکی داشته است، یافته‌های این تحقیق به طور کامل موافق با تأثیرگذاری همه عوامل تعیین‌کننده از جنبه‌های پولی و ارزی بر سودآوری و تخصیص اعتبارات در سیستم

بانکی کشور نبوده است. با این حال، یافته‌های تجربی این فرضیه را که توسعه روابط مالی بین‌بانکی و یکپارچه‌شدن بانک‌ها و مشارکت آنها در بازار اعتبارات با ماهیت رقابتی به سودآوری نظام بانکی منجر می‌شود، مورد تأیید قرار دادند. دستاوردهای این مقاله را می‌توان آنها را در چارچوب آزادسازی‌های مالی از طریق استقلال سیستم بانکی کشور، ایجاد شبکه بانکی یکپارچه داخلی و سپس تعامل با بازارهای مالی بین‌المللی برای افزایش درجه رقابت‌پذیری بانک‌ها و بهبود عملکرد آنها توصیه نمود.

منابع و مأخذ

فارسی

- ۱- اشراقی، فرشید و حبیب‌الله سلامی. (۱۳۸۴). تأثیر یکسان‌سازی نرخ تسهیلات بانکی بر تخصیص اعتبارات به بخش کشاورزی. *مجله علوم کشاورزی ایران*، جلد ۳۶، شماره ۵.
- ۲- ترا بیان، علی. (۱۳۸۵). آشنایی با مفاهیم بانکداری داخلی. *ماهنامه دنیای اقتصاد*.

انگلیسی

- 1- Adam, K, & Othari, S. P. (2004). Investment Banking and Analyst Objectivity: Evidence from Forecasts and Recommendations of Analysts Affiliated with M&A Advisors. *MIT Sloan School of Management, Working Paper*, 4467.
- 2- Agenor, P. R. (2003). Benefits and Costs of International Financial Integration: Theory and Facts. *The World Economy*, 26(8), 1089-1118.
- 3- Akhavein, J. D., Berger, A. N. & Humphrey, D. B. (1997) The Effects of Mega Mergers on Efficiency and Prices: Evidence from a Bank Profit Function. *Review of Industrial Organization*, 12, 95-139.
- 4- Amel, D. F. & Hannan, T. H. (1999). Establishing Banking Market Definitions through Estimation of Residual Deposit Supply Equations. *Journal of Banking and Finance*, 23, 1667-1690.
- 5- Angelini, P. & Cetorelli, N. (2000). Bank Competition and Regulatory Reform: The Case of the Italian Banking Industry. *Italian Bank Papers*, 380.

- 6- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*, Third Edition. New York: John Wiley and Sons.
- 7- Bernard, H. & Bisignano, J. (2002). European Financial Market Integration: Concepts, Measurement, and Contribution to Growth, BIS ,Unpublished Manuscript.
- 8- Bhattacharya, S. & Gale, D. (1987). Preference Shocks, Liquidity, and Central Bank Policy. in W. Barnett and K. Singleton (Eds.), *New Approaches to Monetary Economics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 9- Bikker, J. A. & Groeneveld, H. J.(1998). Competition and Concentration in the EU Banking Industry. DNB, *De Nederlandsche Bank*.
- 10- Brandt, O. & Davis, E. P. (1999). A Cross-Country Comparison of Market Structures in European Banking. *European Central Bank. WP,7*.
- 11- Cornett, M. M. & Tehranian,H. (1992). Changes in Corporate Performance Associated With Bank Acquisitions. *Journal of Financial Economics*, 31, 211-234.
- 12- Dierick, F. & Vesala, J. (2002). Banking Integration in the Euro Area. *Occasional Paper Series*, 6.
- 13- Dymski, G. A. (1999). *The Bank Merger Wave: The Economic Causes and Social Consequences of Financial Consolidation*. Armonk, N.Y: M.E. Sharp, Inc.
- 14- Fecht, F, Grüner, H. P & Hartmann, P. (2007). Welfare Effects of Financial Integration. *CEPR Discussion Paper*, 6311.
- 15- Freixas, X. & Holthausen,C. (2004). Inter-Bank Market Integration under Asymmetric Information. *The Review of Financial Studies*, 18 (2), 459-490.
- 16- Freixas, X., Parigi, B & Rochet, J. C. (2000). Systemic Risk, Inter-Bank Relations, and Liquidity Provision by the Central

- Bank. *Journal of Money Credit and Banking*, 32(3), 611-638.
- 17- Fullenkamp, C. & Nsouli, S. M (2004). Six Puzzles in Electronic Money and Banking, *IMF Working Paper*, 19.
- 18- Giannetti, M., & Ongena, S. (2009). Financial Integration and Entrepreneurial Activity Evidence. from Foreign Bank Entry in Emerging Markets. *Review of Finance*, 13, 181-223.
- 19- Hardy, D. (1998), Leading Indicators of Banking Crises: Was Asia Different? International Monetary Fund (IMF), *Working Paper*, 91.
- 20- Holthausen, C. & Freixas, X. (2001). Inter-Bank Market and Integration under Asymmetric Information, *ECB Working Paper*, 74.
- 21- Humphrey, D., Moshe, K & Vale, B. (1998). Realizing the Gains from Electronic Payments: Costs, Pricing and Payment Choice, Proceeding, *Federal Reserve Bank of Chicago*, 158-164.
- 22- Iran's Central Bank. from www.cbi.ir.
- 23- Karas, A, K. Schoors & Lanine, G. (2008). Liquidity Matters: Evidence from the Russian Inter-Bank Market. *Bofit Discussion Papers*.
- 24- Koehler, M. (2009). Merger Control as Barrier to EU Banking Market Integration. *Discussion Paper*, 07, from [ftp://ftp.zew.de/pub/zew-docs/dp/dp07082.pdf](http://ftp.zew.de/pub/zew-docs/dp/dp07082.pdf).
- 25- Manna, M. (2004), Developing Statistical Indicators of the Integration of the Euro Area Banking System, *ECB Working Paper Series*, 300.
- 26- Ongena, S. & Popov, A. (2009). Inter-Bank Market Integration, Loan Rates, and Firm Leverage, European Central Bank. *Financial Research Division, and Electronic*, from <http://ssrn.com/abstract=1442465>.

- 27- Rochet, J. C. & Tirole, J. (1996). Inter-Bank Lending and Systemic Risk. *Journal of Money Credit and Banking*, 28, 733-762.
- 28- Spoller, P. & Favaro, E. (1984). The Effects of Entry Regulation on Oligopolistic Interactions: The Uruguayan Banking Sector. *the Rand Journal of Economics*, 9, 305-327.
- 29- Saab, Y. S. & Vacher, J. (2007). Banking Sector Integration and Competition in CEMAC. *IMF Working Paper*.
- 30- Solanes, J. G. & Peñarrubia, D. (2001). Economic Integration and Banking Mergers Strategies, Association Espanola de *Economical Finanzas International's*. <http://www.fedea.es/hojas.publicaciones.Html>.
- 31- Vajanne, L. (2007). Integration in Euro Area Retail Banking Markets –Convergence of Credit Interest Rates. *Bank of Finland Research, Discussion Papers*. 27.
- 32- Vives, X. (1991a). Banking Competition and European Integration. in A. Giovannini and C. Mayer (Eds.). Cambridge: Cambridge University Press.
- 33- Vives, X. (1991b). Regulatory Reform in European Banking. *European Economic Review*, 35, 505-515.
- 34- Wilcox, J. A. (2005). The Increasing Integration and Competition of Financial Institutions and of Financial Regulation, *Research Finance*, 22, 215-238.
- 35- Yeager, T. J. (2004). Economies of Integration in Banking: An Application of the Survivor Principle. *Federal Reserve Bank of ST. Louis Supervisory Policy Analysis, Working Paper*.